

جنبه‌های نمایشی در آثار نیما، اخوان و شاملو

نیما در مقدمه افسانه که در واقع مانیفست اوست می‌نویسد:

ای شاعر جوان

این ساختمان که «افسانه‌ی من در آن جا گرفته است و یک طرز مکالمه طبیعی و آزاداندیشان می‌دهد، شاید برای دفعه‌ی اول پسندیده‌ی تو نباشد و شاید گو آن را به اندازه‌ی من نپسندی همین طور شاید بگویی برای چه یک غزل این قدر طولانی و کلماتی که در آن به کار برده شده است نسبت به غزل قدما سبک اما یگانه مقصود من همین آزادی در زبان و طولانی ساختن مطلب بوده است. به علاوه انتخاب یک رویه‌ی مناسب‌تری برای مکالمه که سابقاً هم مولانا، محتشم کاشانی و دیگران به آن نزدیک شده‌اند. آخرین اینکه من سود بیشتری خواستم که از این کار گفته باشم. اگر بعضی ساختمان‌ها مثلا مثنوی، به واسطه‌ی وسعت خود در شرح یک سرگذشت یا وصف یک موضوع به تو کمی آزادی و رهایی می‌دهد تا بتواند قلب تو و مگر تو با هر ضریب خود حرکتی کند، این ساختمان چندین برابر آن واجد این نوع مزیت است. این ساختمان این قدر گنجایش دارد که هر چه بیشتر مطالب خود را در آن جا بدهی از تو می‌پذیرد؛ وصف زمان، تمزیه، مضحکه ... هر چه بخواهی.

این ساختمان از اشخاص مجلس داستان تو پذیرایی می‌کند، چنان که دلت بخواهد برای اینکه آنها را آزاد می‌گذارد در یک یا چند مصراع یا یکی دو کلمه از روی اراده و طبیعت هر قدر بخواهد صحبت بدارند هر جا خواسته باشند سؤال و جواب خود را تمام کنند. بدون اینکه ناچاری و سختی شعری آنها را به سخن آورده باشد و چندین کلمه از خودت به کلمات آنها بچسبانی تا اینکه آنها به قدر دو کلمه صحبت کرده باشند. در حقیقت در این ساختمان، اشخاص هستند که صحبت می‌کنند نه آن همه تکلفات شعری که قدما را مقید می‌ساخته است نه آن همه کلمه «گفت و پاسخ داد» که اشعار را به توسط آن طولانی می‌ساختند چیزی که بیشتر مرا به این ساختمان تازه معتقد کرده است همانا عاریت معنی و طبیعت خاص همه چیز است و هیچ حسنی برای شعر و شاعر بالاتر از این نیست که بهتر بتواند طبیعت را تشریح کند و معنی را به طور ساده جلوه بدهد این قدرت و استعداد خود را بیشتر به کار انداخته باشد. من وقتی که نمایش خود را به این سبک تمام کرده به صحنه دادم نشان خواهم داد چطور و چه می‌خواهم بگویم. خواهی دانست این قدما پیشرفت اولی برای شعر ما بوده است. اما حالا شاید بعضی تصورات کوچک نتواند به تو مدد بدهند تا به خوبی بفهمی که من جویایی چه کاری بدهام و تفاوت این ساختمان را با ساختمان‌های کهنه بشناس. نظریات مراد در دیباچه «نمایش» آینده من خواهی دید.

این افسانه فقط نمونه است:

در شب تیره، دیوانه‌ای کاو

دل به زنگی گریزان سپرده

در دره‌ی سرد و خلوت نستهسته

همچو ساقه‌ی گیاهی فسرده

می‌کند داستانی غم‌آور

در میان

بس آشفته مانده

قصه‌ی دانه‌اش هست و دامی

وز همه گشته و ناگفته مانده

از دلی رفته دارد پیامی
داستان از خیالی پریشان:

ای دل من، دل من، دل من!

بی‌توا، مضطرا، قابل من!

با همه خوبی و قدر و دعوی

از تو چه آخر چه حاصل من،

جز سرشکی به رخساره‌ی غم؟

گلشنی

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

بدینوسیله اعلام می‌شود محمد شهبازی مقدم دادخواست به خانواده تحریر ترکه به طرفیت ۱- محمود شهبازی مقدم فرزند ابیاس ۲- احمد شهبازی مقدم فرزند ابیاس ۳- علی مردان ازدهاکش فرزند ابیاس ۴- امین ازدهاکش فرزند ابیاس ۵- امیر ازدهاکش فرزند ابیاس ۶- رباب ازدهاکش فرزند ابیاس تسلیم ششوراهای حل اختلاف بنی‌هاشمی نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسسه ۹۷۰۶۸۰ ثبت و وقت رسیدگی برای روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۱/۰۳/۹ ساعت ۱۶ عصر تعیین شده است اینک به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان به درخواست خواهان و دستور ششورا و تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خواندگان از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دبیرخانه ششورا واقع در بنی‌هاشمی مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمانت را دریافت نمایند و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردند در غیر اینصورت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.

۱۷۷۲۱۸/ م الف
رئیس شورای حل اختلاف شعبه ۳۵ مجتمع شماره دو شیراز روستا

آگهی حصر وراثت

جمیله محمدیان دارای شناسنامه شماره ۴۰۷ متولد ۱۳۵۳/۳/۱۵ به شرح دادخواست از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه خانم صادقیان به شماره شناسنامه ۸۵۱۲ در تاریخ ۹۷/۶/۱۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و وراثت حین‌الفوت آن مرحومه عیارزند از:

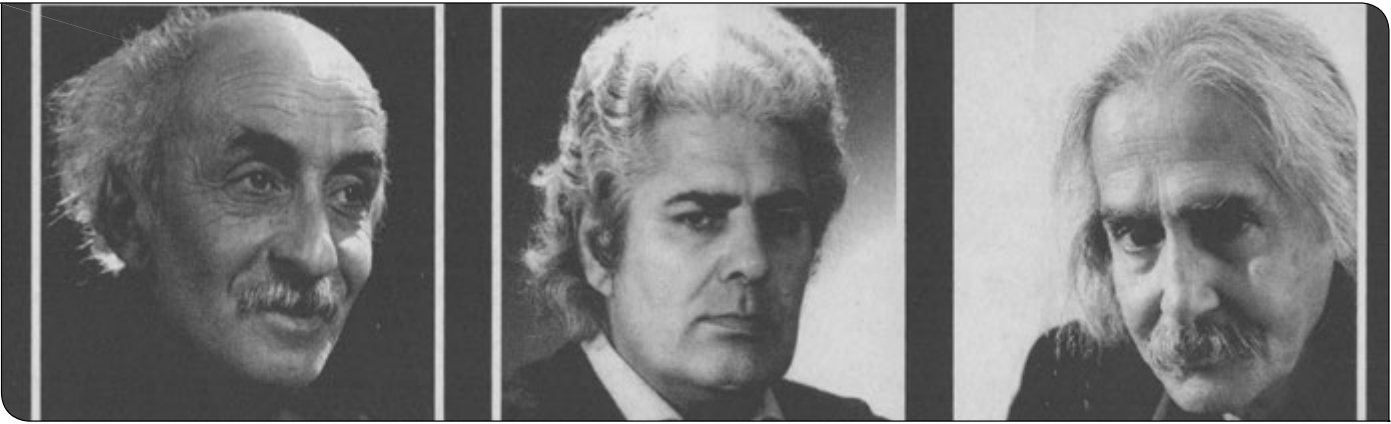
۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر جمیله محمدیان به شماره شناسنامه ۴۰۷ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفیه ۲- صمد محمدیان به شماره شناسنامه ۱۴۹۲ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفیه ۳- سببلا محمدیان به شماره شناسنامه ۹۴۷۷ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفیه ۴- سیما محمدیان به شماره شناسنامه ۱۰۴۱ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفیه ۵- سیمین محمدیان به شماره شناسنامه ۹۷۱۵ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفیه ۶- مهدی محمدیان به شماره شناسنامه ۳۳۰ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفیه
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می‌نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفیه نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به ششورا تقدیم نمایند بدیهی است پس از انقضاء مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
۱۷۷۲۰۳/ م الف
شعبه ۱۵ مجتمع شوراهای حل اختلاف شماره یک شیراز

روزنه

● پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۹۷
● ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۰
● Dec 6۰ 20۱8
● سال بیست و چهارم
● شماره ۶۵۰۷ ●

آینده شعر فارسی از نظر ظرفیت‌های نمایشی

بخش پنجم و پایانی



آخر- ای بی‌توا

که ره رستگاری بریدی؟

مرغ هرزه درایی، که بر هر

شاخی و شاختاری پریدی

تا بماندی زبون و فتاده…

می‌توانستی ای دل، رهینن

گر نخوردی فریب زمانه

آنچه دیدی، ز خود دیدی و بس

هر دمی یک ره و یک بهانه،

تا تو ای مست! با من ستیزی

تا به سرمستی و غمگساری

با «فسانه» کنی دوستاری

عالمی دایم از وی گریزد

با تو او را بود سازگاری

منتلایی نیاید به از تو

افسانه:

منتلایی که مانده‌ی او

کس در این راه لغزان ندیده

آه! دیری است کاین قصه گویند:

از بر شاخه مرغی پریده

مانده بر جای از او آشیانه

لیک این آشیان‌ها سراسر

بر کف بادها اندر آیند

رهرون اندر این راه هستند

کاندر این غم، به غم می‌سرایند…

او یکی نیز از رهروان بود

در بر این خرابه مغازه

وین بلند آسمان و ستاره

سال‌ها با هم آفسرده بودید

وز حوادث به دل پاره پاره

او تو را بوسه می‌زد تو او را…

عاشق:

سال‌ها با هم آفسرده بودیم

سال‌ها همچو واماندگانی

لیک موجی که آشفته می‌رفت

بودش از تو به لب داستانی

می زدت لب، در آن موج، لبخند

افسانه:

من بر آن موج آشفته دیدم

یکه تازی سراسیمه

عاشق:

اما من سوی گلنزاری رسیدم

درهمش گیوسان چون معما

همچنان گردبادی مشوش

افسانه:

من در این لحظه، از راه پنهان

نقش می‌بستم از او بر ایی

عاشق:

«آه! من بوسه می‌دادم از تو

بر رخ او به خوابی- چه خوابی!-

با چه تصویرهای فسونگر

ای فسانه، فسانه فسانه

ای خندگ تو را من نشانه

ای علاج دل، ای داری درد

همره گرچه‌های شبانه

با من سوخته در چه کاری؟

شاملو/ بررسی شعر «ضیافت» از دفتر «دشنه در دیس»

این شعر شاملو در بهار ۱۳۵۰ سروده شده، بی‌شک، نمایشی‌ترین شعر اوست و به جرأت می‌توان آن را نمایشنامه کوتاه موفقی در قالب شعر دانست و شاملو به خوبی در آن از فراز و فرودها و مؤلفه‌های نمایشی بهره برده است. شعر نمایشی «ضیافت» ۱۰ شخصیت مستقل دارد که هر کدام را مفصلاً می‌توان بررسی کرد. اما از مهمترین شخصیت‌های این شعر می‌توان سراغ راوی، دلک، مداح و جارچی که گرفت: راوی یادآور نقال یا قوال در فرهنگ نمایشی کهن ایران است. ذاتی کلی که قصه را از پیش می‌داند و برای تماشاگر روایت می‌کند. در این شعر هم راوی گوئی پرده‌ای دارد که آدم‌هایش بی‌پرده جان می‌گیرند و او هم گفته‌های او را از زیبایی می‌کند. در ابتدای شعر و در اولین گفتار شاملو تصویری را به وسیله‌ی راوی ترسیم می‌کند که این تصویر بستر کل شعر می‌شود.

«راوی: اما/ تنها/ یکی خنجر کج بر سقره سورا/ در دیس بزرگ

بدل چنین: و سپس میزبان که گویی از پرده بیرون آمده و جان گرفته با همان دلیل در دست و دشنه بر آن چنین می‌گوید:

میزبان: سروران من! سروران من! جدا بی‌تعرف می‌شوید
روایت راوی ادامه می‌یابد تا جایی که دیگر او در چند صحنه

ثبتی و دادگستری

آگهی فقدان سند مالکیت قطعه ۶ پخشی ۸ فارس شهرستان فرابند
هادی رستمی با تسلیم دو برگ استفسرهادیه که در پاسگاه نوجین شهرستان فرابند ثبت گواهی شده مدعی است که تعداد یک جلد سند مالکیت تحت پلاک ۱۳۳۹/۱۷۷۵ واقع در قطعه ۶ بخش ۸ فارس که ذیل ثبت ۱۶۵۳ صفحه ۱۶۲ دفتر املاک ۹ به شماره سریال اصلی ۹۷۳۲۸ ب ۹۰ به نام هادی رستمی فرزند فیروز به شماره شناسنامه ۱۵۵ مقفود گردیده است و نامبرده تقاضای صدور سند المثنی نموده مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود اداره ثبت سند و املاک سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد نمود.
۱۹۲/ م الف

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک فرابند
امید حسینی

آگهی ابلاغ اجرائیه

به موجب اجرائیه شماره ۹۷۰۲۶ مورخ ۹۷/۹/۱۰ صادره از شعبه ۱۹ ششورای حل اختلاف مجتمع شماره یک که طبق دادنامه شماره ۹۷۰۱۰/۱۹۷۷۱۷۴۰۱۰-۱۰ تطبیق یافته است -۱ محمد صادقی بورکی فرزند احمد جان ۲- حسین روستا فرزند کریمت ۳- مریم بهمن پوری گله زن میچک فرزند تیمور به حکم به محکومیت به صورت تضامنی به پرداخت ۱۳۱۷۱۶۱۲ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تأخیر قراردادی از تاریخ ۹۶/۱۱/۵ تا زمان اجرای حکم روزانه ۳۴۳۷ ریال به انضمام هزینه دادرسی و اوراق و حواله‌ه وکیل طبق تعرفه قانونی در حق خواهان و پرداخت نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت محکوم گردیده‌اند بدینوسیله به نامبرندگان ابلاغ می‌شود ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایند در غیر اینصورت در جهت اجرای حکم مزبور وفق مقررات اقدام خواهد شد.
۱۷۷۲۱۶/م الف

رئیس شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو شیراز
عظیمی‌راد

آگهی حصر وراثت

عزیزاله انوری دارای شناسنامه شماره ۵۶۵ متولد ۱۳۳۵ به شرح دادخواست از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان روح‌انگیز روشن حسین آبادی به شماره شناسنامه ۴۶۱ در تاریخ ۸۵/۸/۴ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و وراثت حین‌الفوت آن مرحومه عیارزند از:

۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر فرزند متوفیه ۲- فبیه‌اله انوری به شماره شناسنامه ۱۰۰۸ صادره از حوزه تهران فرزند متوفیه

۳- عنایت‌اله انوری به شماره شناسنامه ۷۳۵۳۳ صادره از حوزه تهران فرزند متوفیه

چنین است.

جارچی‌ها:- (در فواصل با حجم‌های مختلف) باکرگانی/

شایسته‌ی خداوندگار!/ باکرگانی شایسته/ شایسته خداوندگار! همچنان که در گفتار بالا دیده می‌شود شاملو قالب مرسوم نمایشنامه‌نویس در این نمایش/ شعر نیز از توضیح حس شخصیت‌ها و همچنین توضیح صحنه استفاه کرده است. از

این دست توضیحات می‌توان به اینها اشاره کرد:

[گفتار دلک] قطع با صدای گلوله/ سکوت ممتد/ طبل و سنخ عزاداران از خیلی دور/ صدای قدم‌های عزاداران که به آهستگی در حرکتند، در زمینه خطبه مداح/ صدای سنخ و طبل که گاه بسیار ضعیف شنیده می‌شود.
با در جاهایی دیگر: [حالت مداح] سنگین و حماسی [حالت راوی] با همان لحن [حالت زنان عاشق] با خود در نوحه [حالت جارچی‌ها] در فواصل و با حجم‌های مختلف [حالت دلک] بنداری با خود. نکته‌ای که در این میان دارای اهمیت است و می‌توان به آن پرداخت این است که در حالت عادی و در نمایشنامه‌های مختلف لازم نیست که این توضیحات خوانده شود، بلکه اینها باید در درون یا چهره یا لحن بازیگر به روی صحنه دیده و حس شوند حال آنکه شاملو با نگاهی زیبا و اندیشه‌ای قدرتمند، این توضیحات را به گونه‌ای قلمی کرده است که اگر با دید نمایشنامه به این متن نگاه شود، خواننده می‌تواند آنها را بخواند و در تصویرش بازیگر را با این حس‌ها مجسم کند و هم می‌تواند اگر با نگاه شعر به این متن می‌پردازد، این توضیحات را قسمتی از کل متن دانسته و آنها را نیز در خوانش خود سهیم دارد.
در این صورت دیده می‌شود که حتی توضیحات صحنه‌ای که شاملو بر این نمایش/ شعر نوشته است در خوانش شعر بی‌اهمیت نیست و چه در درام بسیار تأثیرگذار باشد و در القای حس درونی خواننده نقش پراهمیت بازی کند.

صحنه چه می‌تواند گفت/ به هنگامی که از بازیگر و بازی/ تهی است؟/ در غیاب انسان/ جهان را هویتی نیست/ در غیاب تاریخ هنر/ عبوه بی‌غار و دردی است/ هنر شمارتی است از سر صدق/ نوری که فاجعه را ترجمه می‌کند/ تا آدمی/ حشمت را باز شناسد… نوری کور…

بررسی شعر هملت از «دفتر مرثیه‌های خاک»

شاملو در این شعر ابتدا به آن جمله معروف نمایشنامه هملت شکسپیر پرداخته و برداشت دیگر گونه قابل تفکرتری را از آن ارایه داده است:
بودن یا نبودن/ بحث در این نیست/ وسوسه این است.

شروع این شعر شروعی تکان‌دهنده و گفتار نمایش! گفتار شعر از زبان بازیگری است که نقش هملت را بر صحنه ایفا می‌کند. حتی می‌توان گفت که این شعر واگویه‌های هملت تاریخی است که در دام نمایشنامه‌های شکسپیر به ویژه گوئی در این شعر جست‌وجوی رهایی می‌کند. می‌توان چنین برداشتی از کل این شعر داشت: پرده‌ای بر مکتوب قبلی افزوده شده و در آن هملت- یا بازیگری که او را جان می‌بخشد- رو به وجدان خدایی نمایش شروع به گلایه از سرنوشت محتوش می‌کند!

راوی اینها در نمایشی از مردمی گلایه می‌کند که پس از فرو افتادن پرده- و حتی پیش از آن با آگاهی به صحنه و مواقع نمایش با هملت مهدردی می‌کنند و هم آنها پس از فرو افتادن پرده به یک کلابیوس- عمومی خائن هملت- کرنش می‌کنند/ شاملو در جایی از این شعر به زیبایی شخصیت کلابدیوس که فرد خبیث و شریر نمایش است را از نمایشنامه شکیپر بیرون می‌کشد و خیانت او را به عموم تعمیم می‌دهد. از ایان مدح چه خواهم که سرانجام/ مرا و عمومی مرا/ به تسوای در برابر خویش/ به کرنش می‌خوانند/ هر چند رنج من ایشان را نداندا شده باشد که دیگر/ کلابدیوس نه نام عم/ که مفهومی است عام.

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۱۳۸/۱۰۱۱۱۶۶۰۰۰۱۳۹۶۰۴ بدینوسیله به محمدعلی ابراهیمی نژاد دههکار پرونده کلاسه ۱۳۸/۱۰۱۱۱۶۶۰۰۰۱۳۹۶۰۴ که برابر گزارش ۹۷/۱۰/۶ شناخته نگردیده‌اید ابلاغ می‌گردد که برابر اجرائیه ۳۷۰۰۰۰۰۰۰۰۳۷۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ بین شما و خانم گوهربیکم شاهین‌پور مبلغ ۳۹۸۷۹۴۱۹۰ ریال بابت مهریه دههکار می‌باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه، بسست‌انکار درخواست صدور اجرائیه نموده است. پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و به کلاسه فوق در این اجرا مطرح می‌باشند لذا طبق ماده ۱۸۱/۹ آیین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی به شما ابلاغ می‌گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه عصر مردم چاپ شیراز درج و منتشر می‌گردد و ظرف مدت ۲۰ روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد. ۲/۶۱/ م الف رئیس اجرا واحد اجرای اسناد رسمی استهبان احمد انتظار

آگهی ابلاغ وقت دادرسی بدینوسیله اعلام می‌شود بانک مهر اقتصاد داد خواستی به خواسته مطالبه وجه چک (بخشی از یک فقره چک به شماره ۹۹۱۰/۱۶۸۱۹ مورخ ۹۶/۵/۲۳ به صورت تضامنی) به مبلغ ۱۶۷۰۰۰۰۰ ریال و مطالبه خسارات دادرسی و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه به طرفیت ۱- ترلان آذری ۲- سید امیر رفیعی ده شیخی تسلیم شورا های حل اختلاف مجتمع شماره یک حل اختلاف شیراز شعبه ۱۲ نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۱۲/۹۷/۵۹۸ ثبت شده است وقت رسیدگی برای مورخ ۹۷/۱۰/۱۶ ساعت ۱۰ صبح تعیین شده است اینک به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان به درخواست خواهان و دستور شسورا و تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی داد‌گاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خواندگان از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دبیرخانه شورا واقع در مجتمع شماره یک حل اختلاف شیراز (بلوار جانبازان آخر پودتک صبح) مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمانت را دریافت نمایند و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردند در غیر اینصورت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد. ۱۷۷۲۰۵/م الف

شورای حل اختلاف شعبه ۱۲ مجتمع شماره یک شیراز

۴- خسرو انوری به شماره شناسنامه ۱۴۷۱ صادره از حوزه تهران فرزند متوفیه
۵- امین‌اله انوری به شماره شناسنامه ۴۳۶ صادره از حوزه یزد همسر متوفیه
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می‌نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفیه نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به شورا تقدیم نمایند بدیهی است پس از انقضاء مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
۱۷۷۲۱۱/ م الف

شعبه ۱۵ مجتمع شوراهای حل اختلاف شماره یک شیراز